

خبر



۱۰درصد ژاپنی‌ها بالای ۸۰ سال

برای اولین بار در ژاپن، از هر ۱۰ نفر جمعیت کشور، اکنون بیش از یک نفر ۸۰سال یا بیشتر سن دارد. داده‌های ملی همچنین نشان می‌دهد که ۲۹.۱ درصد از جمعیت ۱۲۵ میلیونی این کشور ۶۵سال یا بیشتر سن دارند که این هم در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود. ژاپن یکی از پایین‌ترین نرخ‌های زادوولد در جهان را دارد و مدت‌هاست که با مسئله نحوه تأمین هزینه‌های جمعیت سالمند خود درگیر بوده است.

طول عمر مردم این کشور هم در دهه‌های اخیر افزایش یافته، به این معنا که تعداد افراد مسن‌تر در حال افزایش است و تعداد کارگران برای حمایت از آن‌ها، از طریق پرداخت مالیات رو به کاهش است.

طبق برآورد سازمان ملل متحد که بر اساس سنجش نسبت افراد ۶۵سال یا بالاتر به دیگر رده‌های سنی صورت گرفته، ژاپن مسن‌ترین جمعیت جهان را دارد. این نسبت در ایتالیا ۲۴.۵ درصد و در فنلاند ۲۳.۶ درصد است که به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. بر اساس گزارش مؤسسه ملی تحقیقات جمعیت و تأمین اجتماعی ژاپن، انتظار می‌رود تا سال ۲۰۴۰ افراد بالای ۶۵سال ۳۴.۸ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل دهند.

میزان اشتغال سالمندان در ژاپن از بالاترین آمار اشتغال در میان اقتصادهای بزرگ جهان است، به‌طوری که کارگران ۶۵ساله یا مسن‌تر بیش از ۱۳ درصد نیروی کار ملی این کشور را تشکیل می‌دهند. البته این امر کمک چندانی به کاهش هزینه‌های تأمین اجتماعی این کشور نکرده است. ژاپن بودجه‌ای بی‌سابقه برای سال مالی آینده تصویب کرده که بخشی از آن به دلیل افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی است. تلاش‌ها برای افزایش نرخ زادوولد نیز در بحبوحه افزایش هزینه‌های زندگی و ساعات طولانی کار در این کشور، با موفقیت چندانی روبه‌رو نشده است. نرخ زادوولد در بسیاری کشورها از جمله کشورهای همسایه ژاپن، در حال کاهش است، اما این مشکل به‌ویژه در ژاپن حاد است. تخمین زده می‌شود که در سال گذشته کمتر از ۸۰۰ هزار نوزاد در این کشور به دنیا آمده باشند که این کمترین تعداد از زمان شروع ثبت احوال در قرن نوزدهم است. در دهه ۱۹۷۰، این رقم بیش از ۲ میلیون نفر بود. «فومیو کیشیدا»، نخست‌وزیر ژاپن در ماه ژانویه گفت که کشورش به دلیل کاهش نرخ زادوولد در آستانه رسیدن به وضعیت ناتوانی در کار کرد خود به عنوان یک جامعه است.
باین حال مقامات ژاپن در مورد پذیرش کارگران مهاجر به عنوان راه‌حلی برای نرخ کم‌باروری و افزایش نیروی کار در این کشور تردید دارند.

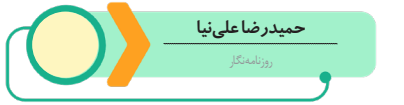
۳ میلیون و ۳۰۰ هزار بیکار در ترکیه

مرکز آمار ترکیه شمار بیکاران این کشور را در حال حاضر حدود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرد. بر اساس داده‌های مرکز آمار ترکیه، نرخ بیکاری این کشور با حدود فقط ۰.۲ دهم درصد کاهش، به ۹.۴ رسیده است. بنا به آخرین گزارش مؤسسه آمار ترکیه، نرخ بیکاری برای مردان ۱۵ساله و بالاتر ۷.۶درصد و نرخ بیکاری زنان نیز ۱۲.۹ درصد برآورد شده است. طبق این گزارش، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال ترکیه حدود ۱۸ درصد است و بیشترین آمار بیکاران ترکیه در این گروه سنی قرار دارد. به اعتقاد کارشناسان ترکیه، آغاز روند بازسازی مناطق زلزله‌زده و افزایش تولید محصولات صنعتی صادراتی در پی کاهش ارزش پول ملی این کشور، از علل کاهش اندک نرخ بیکاری ترکیه در ماه‌های اخیر بوده است. به گزارش ان.تی.وی، تعداد بیکاران ترکیه در اوایل امسال حدود ۳ میلیون و ۵۸۵ هزار نفر اعلام شده بود. بر اساس داده‌های آماری، هم‌اکنون از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ترکیه، ۳۱.۷ میلیون نفر شاغل هستند و نرخ اشتغال جمعیت کل حدود ۴۹درصد برآورد شده است.

جهان

گزارش

تغییرات جهانی پس از پایان جنگ جهانی دوم و نفوذ فرهنگی ایالات متحده در جهان، موجی از گسترش آموزش زبان انگلیسی را در دنیا در پی داشت. موضوعی استراتژیک که منجر به افزایش ضریب مهاجرت به کشورهای انگلیسی‌زبان شد. از سوی دیگر در دهه‌های اخیر قیمت مسکن از رشد در آمد در سراسر جهان توسعه یافته پیشی گرفته است. این مسئله دلایل متعددی دارد. نرخ بهره و رشد در آمد بر میزان توانایی خریداران تأثیر



بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده توسط «جیم گلیسون»، محقق موسسه تحقیقاتی (Greater London Authority)، با شروع قرن بیست‌ویکم تعداد خانه‌ها در کشورهای انگلیسی‌زبان نسبت به جمعیت این کشور، هم کمتر از سایر نقاط جهان است و هم رشد کندتری دارد. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، تعداد خانه‌ها برای هر ۱۰۰ نفر در بریتانیا از ۴۳ به ۴۴ خانه افزایش یافت. در آمریکا از ۴۱ به ۴۲ و در استرالیا از ۴۰ به ۴۱ رسید. در نیوزیلند رشد جمعیت از ساخت‌وساز پیشی گرفت و تعداد خانه‌ها به ازای هر ۱۰۰ ساکن اندکی کاهش یافت و به ۳۸ خانه رسید. اما مثلاً در فرانسه، این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ خانه رسید و تا سال ۲۰۲۰ به ۵۵ خانه افزایش یافت، همچنان که این رقم در مدت مشابه و در آلمان از ۴۷ به ۵۲ و در ژاپن از ۴۲ به ۴۹ رسید؛ اما چه چیزی این وضعیت را توضیح می‌دهد؟

عدم تعادل عرضه و تقاضا

در بیشتر بازارها، قیمت‌های بالاتر باعث تحریک عرضه می‌شود. مثلاً وقتی تقاضا برای خودرو افزایش می‌یابد، خودروسازان کارخانه‌های بیشتری باز می‌کنند تا تولید را افزایش دهند. اما همه کشورهای ثروتمند مقررات ساختمان‌سازی را به دلایل خوبی تنظیم می‌کنند؛ در حالی که یک‌خودرو را می‌توان تقریباً در هر جایی تولید کرد و سپس تا محل استفاده حمل کرد، زمین ذاتاً یک منبع کمیاب است و در بیشتر موارد مسکن تنها زمانی ارزشمند است که در نزدیکی مشاغل، خدمات عمومی و زیرساخت‌ها باشد. تعداد کمی از مردم می‌خواهند در سست در مجاورت یک کارخانه فاضلاب زندگی کنند یا در محلی دور از خدمات شهری باشند. بسیاری می‌خواهند در نزدیکی یک پارک بزرگ یا در مجاورت زیرساخت‌های شهری زندگی کنند. برنامهریزی ساخت‌وساز مسکن مستلزم در نظر گرفتن چنین مواردی است.

از آنجایی که مردم با مشاغل جابه‌جا می‌شوند، نسبت ثابت مسکن به مردم در سراسر یک کشور می‌تواند کمبود فزاینده در اقتصادهای شکوفای محلی را بپوشاند. در جاهایی مانند کالیفرنیا و لندن، دستمزدها به مراتب بیشتر از نقاط دیگر در آمریکا و بریتانیاست و این موضوع در دهه گذشته با سرعت بیشتری افزایش یافته است. اما برای کارگرانی که مالک ملک خود نیستند، سود کار کردن با اجاره‌های بالاتر از بین می‌رود. یافته‌های منتشر شده در ماه ژانویه توسط «دفتر ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا» نشان می‌دهد که برای کارگران دارای مدرک تحصیلی، اگرچه زندگی در یک شهر ساحلی بزرگ این کشور با دستمزدها قابل توجهی همراه است، اما هزینه بالاتر زندگی به این معناست که در مجموع آن‌ها از وضعیتی برخوردارند که بازندگی در شهر فقیرتر برابری می‌کند. در این میان کارگرانی که مهارت کمتری دارند وضع‌شان بسیار بدتر است، به این معنا که نمی‌توانند در چنین مکانی زندگی کنند و اجباراً از چنین شهرهایی می‌روند.

برای مثال با وجود اینکه کالیفرنیا تعداد زیادی شغل با در آمد



شده است که: «اصلاً اگر مردم قرار است در شهرهای بزرگ حال کاهش است. در نظر بگیرید که میانگین اجاره ماهانه یک آپارتمان یک‌خوابه در شهر سانفرانسیسکو (به‌طور متوسط) ۳۰۷ دلار یا ۶۳ درصد از مبلغی است که متوسط بزرگسالان آمریکایی با کار تمام‌وقت پیش از کسر مالیات دریافت می‌کنند.

قوانین قدیمی و تقلیدی

باین حال، ساخت‌مسکن بسیار دشوار است. «برایان هانلون»، یکی از بنیانگذاران (Yimby) بنیاد ارائه‌دهنده خدمات مسکن در کالیفرنیا می‌گوید: «مشکل این است که همه ما وارث سیستم شهرسازی انگلیسی هستیم که فاجعه‌بار است». در بریتانیا اولین مقررات گسترده حقوق مالکان زمین برای ساخت‌وساز در ملک خود با «قانون برنامهریزی شهری» در سال ۱۹۰۹ ارائه شد و سپس در سال ۱۹۴۷ با «قانون برنامهریزی شهری و کشوری» به‌طور چشمگیری گسترش یافت. در آمریکاقوانین منطقه‌بندی در بیشتر مناطق شهری در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تصویب شد. «رابرت تولان»، اقتصاددان مسکن در «دوبلین» ایرلند می‌گوید: «وقتی ایرلند استقلال یافت، ما عملاً همه کارهای بریتانیا را کپی کردیم. این شامل نسخه خود ایرلند از قانون برنامهریزی ساخت‌وساز در سال ۱۹۶۳ نیز بود.» کشور انگلیسی زبان دیگر یعنی نیوزیلند نیز قانون برنامهریزی شهری و کشوری خود را که به نام «قانون بریتانیا» نام‌گذاری شده بود، در سال ۱۹۵۳ و آنچنان که از نام قانون پیداست از سیستم شهرسازی انگلیسی الهام گرفت. در بسیاری از کشورهای انگلیسی زبان، با الهام از نگرانی‌های دوره ویکتوریایی در مورد زاغه‌ها، قوانین برنامهریزی تمایل داشتند ساخت خانه‌های مجزا را در اولویت قرار دهند. برای برنامهریزان شهری، تراکم شبیه‌ا درحدم در نظر گرفته می‌شد. تراس از زاغه‌ها باعث شد تادر کانون‌های صنعتی پر جمعیت، «کاهش منطقه» و پاکسازی زاغه‌ها برای مسطح کردن شهرها و گسترش آن‌ها به‌زور مورد استفاده قرار گیرد. «جورج اورول»، نویسنده معروف انگلیسی نسبت به این روند بدبین بود. از اونقل

نویسنده معروف انگلیسی نسبت به این روند بدبین بود. از اونقل

تأثیرات بلندمدت همکاری چین و آفریقا بر جهان

فرودمست می‌پندارند کنار رود شرایط بهتر می‌شود. همکاری با چین شراکتی برابر، باز و قابل اعتماد است. بر اساس گفته چینی‌ها با گذر زمان هدف‌های آدمی فاش می‌شود و در این مدت دنیا شاهد این بوده که کمک‌های چین و همکاری با این کشور منافع محسوس در بسیاری کشورهای آفریقایی داشته و منجر به ایجاد تغییرات محسوسی شده است. چین ابتدا ظرفیت همکاری را تقویت می‌کند. بدین معنا که با داشتن تجربیات غنی تولیدات و امتیازات فنی در کنار کشورهایی مانند مصر و آفریقای جنوبی به عنوان مراکز مهم تولید در آفریقا، بازاری خوب به وجود می‌آورد. به این ترتیب دو طرف می‌توانند ظرفیت‌های همکاری و تولید خود و صنعت رقابتی آفریقایی را تقویت و به بهینه‌سازی چرخه صنعتی دست پیدا کنند. از آنجایی که سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین عوامل برای توسعه اقتصادی است، چین و آفریقا می‌توانند با گسترش کانال‌هایی همکاری و تبادل میان مؤسسات

می‌گذارند و تغییرات جمعیت، فرهنگ و ساختار جمعیتی نیز همگی بر تقاضا مؤثر است. به همین میزان نیز مقررات بانکی، شیوه‌های وام‌دهی و موارد مشابه می‌توانند میزان تقاضا را تغییر دهند. اما زیربنای همه این‌ها منطق اساسی اقتصاد است: جایی که تقاضا از عرضه خانه‌های جدید بیشتر شود، قیمت‌ها تمایل به افزایش دارند. هفته‌نامه اگونومیست در گزارشی به سیر تحولی این امر در کشورهای انگلیسی زبان پرداخته که آن را در ادامه می‌خوانید.

امروزه، مردم بیشتر از این می‌ترسند که مسکن جدید ترافیک را بدتر کند، منظره خانه‌شان خراب شود، همسایگان آزار دهنده باشند و یا خدمات عمومی برای پاسخگویی به تقاضای اضافی کافی نباشد، اما هنوز تبعیض نسبت فقر را می‌توان در چنین جنبش‌هایی مشاهده کرد. همه این‌ها انگیزه‌های قوی برای ساکنان فعلی ایجاد می‌کند تا در برابر توسعه جدید مقاومت کنند

حتی اکثر طرفداران جنبش ساخت مسکن در شهرها هم استدلال نمی‌کنند که سازندگان باید حق ساخت هر چیزی در هر مکانی را داشته باشند. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای انگلیسی زبان کل محله‌ها توسط برنامه‌ریزان ساخت‌وساز تخریب و دوباره ساخته شد. اما حرکت از آن زمان به سمت دیگری بود و امروزه موضوع مهاجرت گسترده، شرایط رامتفاوت کرده است. در سال ۲۰۲۱ در «بنتال گرین» در شرق لندن، ۲۹۱ خانه توسط دادگاه عالی و برای نجات یک درخت توت مسدود شد. در واشنگتن دی‌سی، در اوایل سال جاری، یک پارکینگ قدیمی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از یک بانک تاریخی اعلام شد و هر گونه برنامه‌ریزی برای ساخت‌وساز بر روی آن ممنوع اعلام گردید. همچنین دوبلین نیز در ژانویه امسال در حکمی از طرف دادگاه عالی، ساخت نزدیک به ۱۶۰۰ خانه را ممنوع کرد.

چند دهه کمبود عرضه

اکنون عدم ساخت‌وساز و تطابق عرضه و تقاضای ساختمان‌ها در کشورهای انگلیسی‌زبان موجب افزایش شدید قیمت مسکن شده است. با این حال، ساخت‌وساز کلی برای تبدیل شهری مانند کالیفرنیا به شهری مقرون به‌صرفه و قابل سکونت هنوز بسیار کم است. خشی کردن چند دهه کمبود عرضه در بازار مسکن نیاز به میزان زیادی ساخت مسکن دارد. مطالع‌ای که امسال توسط مرکز شهرها در بریتانیا منتشر شد، تخمین می‌زند که این کشور در مقایسه با تعداد خانه ساخته شده در سایر کشورهای اروپایی، ۴.۳ میلیون خانه کم دارد. همچنین یک مطالعه در سال ۲۰۱۵ در آمریکا، هزینه سه‌سالانه توسعه محدود در بزرگ‌ترین شهرهای آمریکارابیش از ۹ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور می‌داند. آنچه واضح است اینکه اجازه ساخت‌وساز باعث کاهش اجاره‌بها می‌شود. فعالان مسکن به نمونه‌ای اشاره می‌کنند که قبلاً تأثیر قابل اندازه‌گیری و بزرگی داشته است. در سال ۲۰۱۶، پارلمان نیوزیلند توسعه گسترده شهر اولکند را تصویب کرد؛ مطابق تحلیل «رایان گرینی-مک گروی»، اقتصاددان دانشگاه اوکلند نتیجه این سیاست منجر به افزایش شدید در ساخت‌وساز شد. تعداد خانه‌های جدیدی که مجوز ساخت دریافت کردند بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ از ۲۵۰۰ به ۱۵۰۰۰ رسید. البته مانند بسیاری از کشورهای دیگر، نیوزیلند در سال ۲۰۱۰ با اثرات بحران مالی جهانی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. با این همه بلوک‌های آپارتمانی هوشمند، به سرعت جایگزین خانه‌های مستقل دهه ۱۹۶۰ شدند. صاحبان خانه شاهد افزایش ارزش زمین خود بودند، زیرا اکنون می‌توانستند آن را بازسازی کنند و نهایتاً هزینه اجازه یک خانه مجردی در خلاف بقیه نیوزیلند در اوکلند کاهش یافته‌است.

تأثیرات بلندمدت همکاری چین و آفریقا بر جهان

مالی را افزایش دهند. مؤسسات اعتباری چینی می‌توانند وام‌هایی برای سرمایه‌گذاری در آفریقا تأمین کنند تا به توسعه زیرساختی و اقتصادی برسند.

یک پهنه یک جاده

برخی سرمایه‌گذاران تردیدهایی درباره ثبات سیاسی و وضعیت کسب و کارها و شرایط کشورهای آفریقایی دارند، اما با توسعه طرح ابتکاری «یک پهنه- یک جاده» همکاری‌های چین- آفریقا از کمک‌های دولتی به سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تغییر می‌کند. در نهایت همکاری چین و آفریقا تنها تأثیری چشمگیر و مهم برای توسعه هر دو طرف است بلکه تأثیراتی مثبت و زیاد بر صلح منطقه‌ای و جهانی و ثبات و فاه در سراسر جهان خواهد گذاشت. همکاری چین و آفریقا بخشی مهم از طرح ابتکاری یک پهنه- یک جاده برای ایجاد شرکای منطقه‌ای از طریق ایجاد ارتباط، مشورت و به اشتراک گذاری است.